

اولریش بک

جامعه و خطر

به سوی مدرنیته‌ای نوین

ترجمه: رضا فاضل، مهدی فرهمند نژاد

۱۱۳

www.ketab.ir

Beck, Ulrich	بک، اولریش، ۱۹۴۴-۲۰۱۵م.
جامعه خطر: به سوی مدرنیته‌ای نوین / اولریش بک: ترجمه رضا فاضل، مهدی فرهمندزاد - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۶.	
	ص ۴۷۲
ISBN 978-600-405-235-1	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۲۳۵-۱
risk society: towards a new modernity, c1992	عنوان اصلی:
risk - sociological aspects	خطر کردن - جنبه‌های جامعه‌شناختی
technology - social aspects	تکنولوژی - جنبه‌های اجتماعی
progress	پیشرفت
social structure	ساختار اجتماعی
	صنعت - جنبه‌های زیست محیطی
industries - environmental aspects	
	فاضل رضا، ۱۳۸۸ مترجم.
	فرهمندزاد، مهدی، ۱۳۵۰، مترجم.
۳۰۲/۱۲	ج ۸ ب ۱ / HM



دفتر مرکزی انتشارات سپاس کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم

فرمانروا / بین کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸

توزیع: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه همکف

تلفن گویا: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶ - ۳۰۲۴۱۰۷ - ۸۸۳۱۰۰۰ - ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۸۶۱۶۶۶

• سایت اینترنتی: www.salepublication.com

• پست الکترونیکی: info@salepublication.com - salepub@gmail.com

■ جامعه خطر: به سوی مدرنیته‌ای نوین

• اولریش بک • ترجمه رضا فاضل - مهدی فرهمندزاد • ناشر: نشر ثالث

• مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی

• چاپ اول: ۱۳۹۷ / ۱۱۰۰ نسخه

• لیتوگرافی: ثالث • چاپ: سازمان چاپ احمدی • صحافی: مینو

• کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-600-405-235-1

• شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۲۳۵-۱

فهرست

۱۱	مقدمه مترجمان
۱۵	مقدمه
۱۶	مدرن‌سازی و آینده‌نگاری
۲۷	مقدمه نویسنده
۴۱	بخش اول: زندگی روی آشنایان تمدن: مرزهای مشخص جامعه خطر
۴۳	۱. در باره منطق توزیع ثروت و منسوخ توزیع فطری
۵۳	تعریف علمی و پراکندگی آلاینده‌ها
۵۷	در باره وابستگی خطرات مدرن‌سازی به دانش
۵۸	در نظر گرفتن اجزای مستقل در کنار هم: فرض‌های غایت
۶۰	اخلاق ضمنی
۶۲	عقلانیت علمی و اجتماعی
۶۵	خطرات فزاینده و کثرت تعاریف خطر
۶۸	زنجیرهای علیت و چرخه‌های آسیب: مفهوم نظام
۷۰	محتوای خطر: واقعه هنوز روی نداده به عنوان انگیزه عمل
۷۲	مشروعیت: «عوارض جانبی پنهان»
۷۳	خطرات طبقه‌محور
۷۵	جهانی‌شدن خطرات تمدن

- ۷۶ اثر بومرنگ
- ۷۹ سلب مالکیت و ارزش‌زدایی بوم‌شناختی
- ۸۲ موقعیت‌های خطر موقعیت‌های طبقاتی نیستند
- ۸۳ موقعیت خطر چونان سرنوشت و تقدیر
- ۸۵ نابرابری‌های جدید بین‌المللی
- ۸۸ ویرانه‌های پاریسی
- ۹۰ بویال
- ۹۱ دو نیت: تلف، دو فرهنگ: در باره رابطه میان درک و تولید خطرات
- ۹۴ آمانشهر جامعه جهانی
- ۹۸ خلا سیاه
- ۱۰۰ از همبستگی عملی نیاز تا همبستگی برانگیخته از اضطراب
- ۱۰۲ یادداشت‌ها
- ۱۰۳ ۲. سیاست دانش در جامعه خطر
- ۱۰۳ فلاکت‌باری تمدن؟
- ۱۱۵ اشتباهات، فریب‌ها، لغزش‌ها و حقایق: در دوره ناپت عقلانیت‌ها
- ۱۱۹ بر بصیرتی اقتصادی در مورد خطرات
- ۱۲۲ ندهای «عوارض جانبی»
- ۱۲۴ انکار علمی خطرات
- ۱۲۸ حقه‌ای جانانه به نام «سطوح قابل قبول»
- ۱۳۸ از هم‌گسیختگی عقلانیت علمی
- ۱۴۱ آگاهی عمومی از خطرات: امور تجربه‌نشده دست‌دوم
- ۱۴۳ عصر تردید
- ۱۴۶ همبستگی موجودات زنده
- ۱۴۸ «جامعه بلاگردان»
- ۱۵۰ شروط اساسی مواجهه با ناامنی

- ۱۵۱..... پیوایی‌های سیاسی خطرات شناخت‌شدهٔ مدرن‌سازی
- ۱۵۸..... چشم‌انداز طبیعت: جامعه در پایان قرن بیستم
- ۱۶۵..... یادداشت‌ها

- بخش دوم: فردی‌سازی نابرابری اجتماعی: اشکال زندگی و مرگ سنت
- ۱۶۷.....
- ۱۷۰..... ناهمخوانی افراد و بازار کار توسعه‌یافته

۳. فراسوی پایگاه اجتماعی و طبقه؟
- ۱۷۷.....
- ۱۷۹..... راز کار چو نان «موتور» فردی‌سازی
- ۱۸۱..... تحصیلات
- ۱۸۲..... تحرک
- ۱۸۳..... رقابت
- ۱۸۴..... فردگرایی و شکل‌گیری بیانات «رکس و ویر
- ۱۹۳..... به سوی جامعهٔ فردی‌شدهٔ که کسان
- ۱۹۶..... یادداشت‌ها

۴. «من منم»: فضای جنسیتی‌شده و کشمکش درون‌گرا از خانواده
- ۱۹۷.....
- ۲۰۲..... جامعهٔ صنعتی جامعهٔ فئودالی مدرن است
- ۲۰۹..... رهایی از نقش‌های زنانه و مردانه؟
- ۲۱۹..... آگاهی یافتن از نابرابری‌ها: فرصت‌ها و محدودیت‌های انتخاب
- ۲۲۲..... سناریوهایی برای تحولات آینده
- ۲۲۷..... بازگشت به خانوادهٔ هسته‌ای
- ۲۳۱..... برابری زن و مرد
- ۲۳۴..... فراسوی نقش‌های زنانه و مردانه
- ۲۳۸..... یادداشت‌ها

۵. فردی شدن، نهادینه شدن و استاندارد شدن: موقعیت‌های زندگی و الگوهای زندگی‌نامه‌ای ۲۴۱
- ۲۴۲..... ابعاد تحلیلی فردی شدن
- ۲۴۳..... فردی شدن
- ۲۴۴..... فردی شدن تجدیدنظر شده
- ۲۴۸..... نهادینه شدن الگوهای سرگذشتی
- ۲۶۱..... یادداشت‌ها
- ۶ غیره: استانداردسازی کار ۲۶۳
۱. نظام انفعال کامل استاندارد شده تا نظام نیمه‌بی‌کار انعطاف پذیر و متکثر ۲۶۶
- ۲۸۳..... یادداشت
- بخش سوم: مدرن‌سازی، استاندارد شانه: در باره تعمیم علم و سیاست ۲۸۷
۷. علم فراسوی حقیقت و روش‌گری؟ ۲۹۳
- ۲۹۹..... علمی سازی نخستین و بازاندیشانه
- ۳۰۸..... انحصارزدایی از علم
- ۳۱۱..... خطاپذیری در نظریه علم
- ۳۱۲..... خطاپذیری در انجام پژوهش
- ۳۱۴..... فتوالتی سازی عمل شناختی
- ۳۲۱..... در باره قابلیت ارزیابی «عوارض جانبی»
- ۳۲۳..... خودمختاری کاربرد
- ۳۲۶..... در باره تولید قیدوبندهای عینی
- ۳۲۸..... زدودن علل یا جنگیدن با نشانه‌های بیماری
- ۳۳۲..... خطاناپذیری یا توانایی یادگیری
- ۳۳۴..... تخصصی شدن در متن
- ۳۳۷..... درخواست فوری برای تربیت عقلانیت علمی
- ۳۴۰..... یادداشت‌ها

۸. گشایش سیاسی ۳۴۳
- سیاست و خرده‌سیاست ۳۴۴
- فقدان کارکرد نظام سیاسی ۳۵۱
- دموکراتیزه کردن به مثابه قدرت‌زدایی سیاست ۳۵۷
- رعایت حقوق مدنی و تمایز خرده‌سیاست‌های فرهنگی ۳۶۱
- فرهنگ سیاسی نوین ۳۶۴
- فرهنگ سیاسی و توسعه فنی: آیا اتفاق نظر در باره پیشرفت به پایان رسیده است؟ ۳۷۲
- خرده‌سیاست‌های پزشکی: مطالعه موردی حاد ۳۷۹
- تئوری‌های سیاست‌گذاری فناوری ۳۹۵
- خرده‌سیاست‌ها: ماسن صنعتی ۳۹۹
- ستاربود ای‌آی‌آی محتمل ۴۱۳
- بازگشت به جامعه صنعت ۴۱۶
- دموکراتیک‌سازی توسعه اقتصادی ۴۲۳
- امر سیاسی تمایز یافته ۴۲۹
- یادداشت‌ها ۴۳۷
- کتاب‌شناسی ۴۴۱
- نمایه ۴۶۱

مقدمه مترجمان

اولریش بک (۱۹۴۰-۲۰۰۱)، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه مونیخ، یکی از مشهورترین جامعه‌شناسان آلمان در روزگار ما بود که آثارش به بیش از ۳۵ زبان دنیا ترجمه شده است. او در کنار جوایز بسیاری که کسب کرد، در سال ۱۹۹۹ به همراه آنتونی گیدنز، جایزه German-British Forum دریافت کرد.

با نگاهی اجمالی به آثار این جاه‌شناس بزرگ درمی‌یابیم که محور آثار او را مفاهیمی مانند کنترل‌ناپذیری، جهل یا بی‌خبری و عدم اطمینان در عصر مدرن تشکیل می‌دهد. تحلیل تجدد و مدرنیته در کانون آثار بک در کنار گرامسک، آنتونی گیدنز، قرار دارد. این دو در آثارشان از مفاهیم و واژگانی بهره می‌گیرند که گاهی ناآشنا و بدیع می‌نمایند، واژگانی مانند Reflexivity که پیش از این به بازتابش ترجمه شده است، اما در این اثر به نظر رسید که معادل بازاندیشی به گونه‌ای رساتر افاد معنا می‌کند. شاید اگر به این نقل‌قول مستقیم از گیدنز دقت کنیم، دلیل این ترجیح را بهتر دریایم: «با اندیش (یا بازتابندگی) در همان حال که بخش‌هایی از زندگی روزمره یا رویه‌ها و عادت‌های مألوف را به طرز معمولی به تصویر می‌کشد و تحلیل می‌کند، آن‌ها را دگرگون هم می‌سازد یا به روشی جدید سامان می‌دهد» (گیدنز ۱۳۹۲: ۳۲). از نظر گیدنز، مدرنیته پدیده‌ای است که «تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین وجوه تجربیات ما تأثیر می‌نهد» (گیدنز ۱۳۹۲: ۱۶). مدرنیته نوعی نظم پس از جامعه سنتی است

ولی نه آن چنان نظمی که در آن احساس امنیت و قطعیت ناشی از عادات و سنن جای خود را به یقین حاصل از دانش عقلانی سپرده باشد. برعکس، مدرنیته اصل شک بنیادین را نهادینه می‌کند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که هر گونه دانشی، در حقیقت، فرضیه است؛ فرضیه‌هایی که ممکن است حقیقت داشته باشند ولی در اصل همواره باز و پذیرای تجدیدنظرند و گاهی هم به دلیل ناکارآمدی لازم می‌شود که آن‌ها را رها کنیم (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۷). همین ماهیت فرضی دانش و خصلت متحرک نهادهای امروزی باعث می‌شود که بیشتر روش‌های برآورد خطر، شامل عناصری سنجش‌ناپذیر باشند. از این رو دست‌کم با اندیش (بازتابندگی) دنیای متجدد نه در زمینه‌هایی مقرون به یقین و قطعیت فزاینده، بلکه بر بستر نوعی شک روشمند عمل می‌کند. بدین ترتیب، حتی معتبرترین مراجع و منابع نیز حداکثر «تا اطلاع ثانوی» مطمئن و قابل اعتماد شمرده می‌شوند و نظام‌های مجردی که این سه در زندگی روزمره نفوذ دارند فقط ارائه‌دهنده امکاناتی متعددند و نه دستورالعمل‌ها را تسخیر می‌کنند و تضمین‌شده برای عمل. به همین دلیل هم کارشناسانی که مورد مشور و رجوع می‌وند، در مورد نظریات و تشخیص‌های کاربردی اختلاف نظر دارند (گیدنز، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از مفاهیمی که گیدنز و دیگران توصیف مدرنیته از آن بهره برده‌اند، مفهوم «امنیت وجودی»^۱ است که عبارت است از «بیان اساسی» در درون انسان. این امنیت وجودی شامل نوعی احساس خیر و خوشی است؛ احساسی که برآمده از شیوه‌های مألوف و مورد توافق در زندگی افراد است. اما مدرنیته زندگی را بسیار داده و آرامش و خوشی‌های ما را به هم ریخته است. شکل‌های مدرن بازاندیشی با کنشگران اجتماعی امکان می‌دهد علاوه بر پایه‌های اقتدار، به روال‌ها و شیوه‌های مألوف و مادی زندگی نیز شک کنند و نیز آنان را قادر می‌سازد تا هر چیزی را، از خانواده تا شغل و حرفه و دولت و حتی شیوه‌های درمان بیماری‌ها، به چالش بکشند. در چنین شرایطی، افراد با تصمیمات، انتخاب‌ها و موقعیت‌های بی‌شماری مواجهند و در این موقعیت‌ها همواره تصور می‌کنند که آنچه در گذشته انجام داده‌اند، در موقعیت این‌جا و اکنون هم بهترین نتیجه را خواهد داد و به این دلیل (بدون شناخت و پیمایش کافی) دست به اقداماتی مخاطره‌آمیز می‌زنند و

نتایج ناگواری به بار می‌آوردند. مردم هر روزه و عملاً با شک و تردیدهای خود سروکار دارند و دلهره‌های خود را با مکانیزمی که نام آن را «امید» می‌گذارند، تعدیل می‌کنند. اما در جهان بازتابندگی و جهانی شدن که سنت‌ها از میدان به در رفته‌اند و آگاهی از خطر، امنیت وجودی را مختل ساخته است، هستند کسانی که به جای انفعال، با به راه انداختن جنبش‌هایی همچون فمینیسم و محافظت از زیست‌بوم و نیز در پی شیوه زندگی و روابط امن و ارض‌کننده، به راه‌های جدیدی در جهان پسااستی می‌اندیشند.

از دیگر مفاهیم مشترکی که در نظریات گیدنز و بک با آن مواجه می‌شویم، مفهوم زندگی‌نامه سرگذشت است. از آن‌جا که این مفهوم نیز به اعتبار تعریفی که در آثار گیدنز از آن به عمل آمده، در این کتاب به روشنی تعریف نشده است، شرح مختصری در باره آن می‌تواند به فهم مباحث مربوطه کمک کند. هر کدام از ما در طول مراحل گوناگون زندگی خود با رویدادها و تجربیات بی‌شماری مواجه شده‌ایم که هر یک کم‌وبیش تأثیری بر منش، عواطف، باورها و به طور کلی بر شخصیت ما گذاشته‌اند. این زندگی‌نامه‌ها «بازتاب اطلاعات اجتماعی روان‌شناختی موجود در باره شیوه‌های ممکن زندگی‌اند. ولی ما فقط دارای این زندگی‌نامه نیستیم بلکه بر حسب آن زندگی می‌کنیم» (گیدنز ۱۳۹۲: ۳۳). پاسخ این که چگونه این زندگی‌نامه می‌کنیم؟ عبارت است از تصمیم‌های ما در باره این که چگونه رفتار کنیم؟ چه بخوریم و چه بیوشیم و بسیاری موارد دیگر که در آخر کار هم باید این پاسخ‌ها را از صافی هویت شخصیت خود بگذرانیم و در اجتماع عرضه داریم.

اولریش یک در این کتاب، دگرگونی‌هایی را که مدرنیته در ارزش‌های اجتماعی و سیاسی (از خانواده و روابط جنسی تا حوزه اقتدار دولت-ملت‌ها) ایجاد می‌کند، با استفاده از الال و اراته مصادیق عینی به تصویر می‌کشد. حوزه مطالعاتی بک طیف وسیعی از پرسش‌ها را شامل مسائل مبتلابه دنیای مدرن را شامل می‌شود که از آن جمله می‌توان به مدرنیزاسیون، مسائل بوم‌شناختی، فردگرایی و جهانی‌سازی اشاره کرد. ضمن آن که، چنان که پیش‌تر هم گفته شد، در ایجاد چند واژه جدید در حوزه جامعه‌شناسی آلمانی، مانند «جامعه خطر»، «مدرنیته ثانویه»، «مدرنیزاسیون بازاندیشانه (یا بازتابی)» و «برزیلی‌سازی»، هم مشارکت داشته است.

در ابتدا معادل‌هایی مانند جامعه در خطر، جامعه خطرآفرین و جامعه خطرناک به ذهنمان رسید، اما از آن‌جا که هابرماس و آنتونی گیدنز جامعه بعد از روشنگری را جامعه مدرن نامیدند، بک و گیدنز نیز در دهه ۱۹۸۰ با جایگزینی واژه خطر با واژه مدرن به این مفهوم رسیدند و ما هم به همین روش معادل جامعه خطر را برای «risk society» برگزیدیم. از نظر بک و گیدنز، ساختار سنتی طبقاتی در جامعه مدرن در حال فروپاشی است. جهانی‌سازی، خطراتی را پدید می‌آورد که افراد تمامی طبقات را درگیر می‌کند؛ خطراتی مانند رادیواکتیویته، آلاینده‌ها، و حتا بی‌کاری. بک در این اثر خود خاطر نشان می‌کند که خطرات جدید به گونه‌ای اجتماعی نیز ساخته می‌شوند و بعضی از خطرات هم، مانند تروریسم، صرفاً به دلیل که رسانه‌های جمعی بیشتر به آن‌ها پرداخته‌اند به عنوان امری خطرناک‌تر به نظر می‌آیند. او تلاش می‌کند تا رویکردهای ملی را که تا به امروز در بررسی‌های جامعه‌شناسی وجود غالب بوده است با «جهان‌گرایی» که مؤید درهم‌تنیدگی دنیای مدرن است، جایگزین کند.

متأسفانه، در مراحل پایانی این کتاب، مطلع شدیم اولریش بک، این جامعه‌شناس ارزشمند آلمانی، چندی پیش در ژانویه سال ۲۰۱۵ چشم از جهان فرو بست. مترجمان این اثر آرزومندند با معرفی او به جامعه‌شناسان و دیگر علاقه‌مندان ایرانی، سهمی ناچیز در کشاندن کانون توجه اندیشمندان این سرزمین، به شکرت حاصل از دگرگونی‌های دنیای نوین و به ویژه مشکلات زیست‌محیطی و بوم‌شناختی دانسته باشند و اندیشه‌های آگاه و روشن‌بین را به جستجوی راه‌حل و راه‌های درمان دعوت کنند.

رضا فاضل

مهدی فرهمندزاد